

## امکان سنجی ترتب نشوز زوج در نکاح موقت

رضا دهقان نژاد<sup>۱</sup>\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

فرج‌الله هدایت‌نیا<sup>۲</sup>

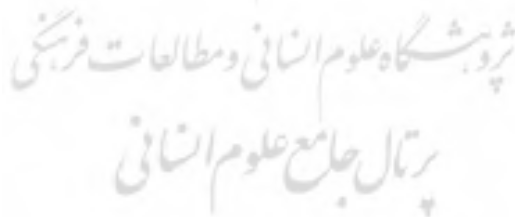
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

### چکیده

در فقه شیعه و به تبع آن در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، عقد موقت به عنوان یکی از اقسام عقد نکاح به رسمیت شناخته شده است. از جمله مباحث مهم و چالشی درباره ازدواج موقت، حقوق جنسی زوجه و امکان ترتب نشوز زوج در این نوع عقد می‌باشد. مقاله حاضر می‌کوشد به روش توصیفی و تحلیلی به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهد: آیا برای زوجه موقت حقوق زناشویی شامل حق قسم و نزدیکی ثابت است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، امتناع شوهر از ایفای وظیفه زناشویی زوجه چه اثری دارد و وی چگونه می‌تواند حقوق خود را استیفا نماید؟ قوانین خانواده ایران درباره این مسایل ساکت و دیدگاه‌های فقهی پیرامون آن نیز متفاوت است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای زوجه موقت، حق نزدیکی ثابت است. همچنین در ازدواج طولانی‌مدت، زوجه از حق انس و الفت برخوردار است. در نتیجه، نشوز شوهر در نکاح موقت قابل تحقق است. در صورتی که شوهر از ایفای وظیفه زناشویی زوجه موقت امتناع نماید، به درخواست زوجه، دادگاه ابتدا شوهر را ملزم و سپس وی را مجبور به بذل مدت می‌نماید.

### کلیدواژه‌ها

عقد موقت، حقوق زوجه، حق قسم، حق نزدیکی، نشوز زوج.



۱. (نویسنده مسئول) استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

ac.dehghannezhad@azaruniv.ac.ir

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران hedayat47@gmail.com

## مقدمه

مسئله اصلی نوشتار کنونی «امکان ترتب نشوز زوج در نکاح موقت» است. این مسئله در زمان ما مورد ابتلای فراوان است. تأخیر در ازدواج به دلیل مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، اختلاف‌های خانوادگی و کاهش رضایت زناشویی، افزایش جمعیت بانوان بیوه و مطلقه و برخی جهات دیگر، باعث گرایش به ازدواج موقت گردیده است (ر. ک. احمدی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ فروتن، ۱۴۰۰، مندرج در سایت [www.eghtesadonline.com](http://www.eghtesadonline.com)). افزون بر این، آسان‌گیری شرعی و قانونی در فرایند ازدواج موقت مانند عدم الزام به ثبت، فقدان طلاق، فقدان رابطه وراثت و تعهد به انفاق، جذابیت ازدواج موقت را برای گروهی از مردان و زنان افزایش داده است (ر. ک. احمدی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ فروتن، ۱۴۰۰، مندرج در سایت [www.eghtesadonline.com](http://www.eghtesadonline.com)). بنابراین احکام ازدواج موقت در زمان ما نسبت به گذشته اهمیت بیشتری دارد. با وجود این و به‌رغم مشروعیت این نوع ازدواج در حقوق خانواده ایران، بیشتر احکام آن در قوانین کنونی بیان نشده است و درباره آن خلأهای قانونی فراوانی وجود دارد. از سوی دیگر، قضات نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص و اجمال قانون از صدور حکم خودداری نمایند؛ بلکه ناگزیرند به دستور اصل ۱۶۷ قانون اساسی<sup>۱</sup> و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور مدنی<sup>۲</sup> به منابع یا فتاوی معتبر مراجعه و اقدام به صدور حکم نمایند. از جمله مسایل حقوقی مورد ابتلا

۱. «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».
۲. «قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستتکف از احقاق حق شناخته و به مجازات آن محکوم خواهند شد».

در ازدواج موقت که قانون درباره آن ساکت است، حقوق جنسی زوجه و امکان ترتب نشوز زوج و آثار آن است.

## مفهوم‌شناسی مصطلحات

برای تبیین مسئله اصلی و اهمیت آن، تعریف مختصر سه اصطلاح «نشوز»، «زوجیت» و «ازدواج موقت» ضروری است.

### ۱. نشوز

واژه «نشوز» در لغت به معنای برتری، برآمدگی و ارتفاع (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۶، ص ۲۳۲) و در اصطلاح به معنی «خروج از طاعت» یا امتناع از عمل به وظایف همسری معنی شده است (حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۸۲؛ سبحانی تبریزی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۸). مقصود از نشوز زوج در نوشتار کنونی همین معنی می‌باشد.

### ۲. زوجیت

واژه «زوجیت» مصدر جعلی از کلمه «زوج» و در لغت خلاف فرد است (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۲۰) و به هر دو قرین از مذکر و مؤنث اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۸۴). مقصود از زوجیت در اصطلاح فقهی، رابطه خاصی است که از عقد ازدواج و پیمان زناشویی ناشی می‌شود و براساس آن زن و مرد زندگی مشترک و در کنار هم بودن را آغاز می‌کنند. این رابطه اثر مستقیم عقد نکاح است و از آن قابل سلب نیست. از منظر فقه امامیه، نکاح به دائم و منقطع تقسیم می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ ش، ج ۲، ص ۲۴۶).

### ۳. ازدواج موقت

به عقد نکاحی که برای مدت معین مانند یک روز، یک ماه و یک سال و ... منعقد می‌شود، متعه یا منقطع گفته می‌شود (حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۵۱۹). این نوشتار مشروعیت نکاح موقت را مفروض پنداشته، از بیان ادله آن خودداری می‌نماید.

در قوانین خانواده ایران نیز، نکاح موقت شناسایی و برخی ویژگی‌های آن بیان شده است؛ مانند ماده ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ ق.م. درخصوص معین بودن مدت به‌طور کامل در این نوع عقد نکاح، ماده ۱۱۱۳ ق.م. درباره نفی تعهد به انفاق، ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده درباره لزوم ثبت ازدواج موقت در بعضی موارد و غیره.

پیشینه پژوهش: درباره نشوز زوجین در ازدواج دائم، پژوهش‌های فراوانی وجود دارد؛ ولی درباره موضوع مذکور در ازدواج موقت، پژوهشی مشاهده نشده است. هرچند مسئله نشوز زوج در نکاح منقطع از نظر فقهی دارای سابقه و پیشینه است، درباره آن اختلاف‌نظرهای فراوانی مشاهده می‌شود و همین مسئله کار را برای دادرسان دشوار می‌نماید و احیاناً به تشتت رویه قضایی می‌انجامد. به همین دلیل، تحقیق پیرامون آن ضروری می‌نماید.

برای بررسی مسئله، ناگزیر باید حقوق زوجه در نکاح موقت بررسی و مصادیق آن معین شود. در نکاح موقت، زوجه مستحق نفقه نمی‌باشد؛ بنابراین حقوق زوجه به امور غیرمالی محدود است. در صورتی که برای زوجه موقت، حقوق زناشویی (جنسی) ثابت گردد، شوهر مکلف است به آن پاسخ دهد و در صورت امتناع، احکام و آثار نشوز بر عمل وی مترتب می‌شود. فرضیه نوشتار این است که برای زوجه موقت، حق نزدیکی ثابت است؛ نیز در نکاح طولانی‌مدت، زوجه دارای حق انس و الفت است و تبعاً نشوز زوج در همین فرض مطرح می‌گردد. برای بررسی دقیق حقوق جنسی زوجه موقت و آثار نشوز زوج، مباحث نوشتار در دو قسمت کلی به شرح زیر سازمان می‌یابد:

الف. نقد ادله انکار ترتب نشوز زوج در نکاح موقت؛

ب. بررسی ادله حقوق زناشویی زوجه و آثار نشوز زوج در نکاح موقت.

رویکرد پژوهش فقهی و حقوقی است. همان‌طور که اشاره شد، در قوانین خانواده ایران، درباره احکام ازدواج موقت سکوت اختیار شده است؛ به همین دلیل، بخش عمده مباحث این نوشتار فقهی می‌باشد.

## ۱. نقد دلایل نفی ترتب نشوز زوج در نکاح موقت

گروهی از فقیهان، حقوق زناشویی زوجه را نفی کرده‌اند (سیوری حلی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۱۱۵-۱۱۷). مبتنی بر این دیدگاه، نشوز زوج نیز امکان

وقوع ندارد. بعضی نیز انتساب وصف نشوز به زوج را نفی کرده یا آن را امری نفسانی شمرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۹؛ شوشتری، ۱۴۰۶، ق، ج ۹، ص ۱۳۴). در نتیجه بر امتناع زوج از ایفای وظیفه زناشویی نشوز اطلاق نمی‌شود. مشروح مطالب و نقد دلایل آن در ادامه بیان خواهد شد.

### ۱-۱-۱. نفی حقوق زناشویی زوجه در نکاح موقت

عده‌ای از فقیهان حقوق جنسی زوجه موقت را به‌طور کلی یا در بعضی مصادیق نفی کرده‌اند. در صورتی که ادله این نظریه تمام باشد، احکام نشوز بر زوج ممتنع از ایفای وظیفه زناشویی در نکاح موقت مترتب نمی‌گردد. مقصود از حقوق زناشویی زوجه در این نوشتار، همان حقوق جنسی شامل حق قسم و حق وطی (نزدیکی) است. بنابراین باید مباحث مربوط به هر یک به‌طور جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

#### ۱-۱-۱-۱. نفی حق نزدیکی زوجه موقت

گروهی از فقیهان، حکم حرمت ترک وطی بیش از چهار ماه را ویژه زوجه دائمی دانسته و تصریح کرده‌اند که زوجه موقت از این حکم مستثنی است (سیوری حلی، ۱۴۰۴، ق، ج ۳، ص ۴۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ق، ج ۲۹، ص ۱۱۵-۱۱۷). بعضی دیگر این قول را «أجود» و بعضی دیگر آن را «أصح» شمرده‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ق، ج ۷، ص ۶۶ و ۶۷؛ حائری، ۱۴۰۹، ق، ج ۲، ص ۳۱۱). دلایل این نظریه به شرح زیر است:

الف. آیات ایلا؛ هرچند درباره مسئله مورد بررسی، دلیل نقلی خاص مشاهده نشد، از آیات ایلا ممکن است نفی حق نزدیکی زوجه موقت استنباط گردد. مطابق آیات ۲۲۶ و ۲۲۷ سوره بقره، در صورتی که مردی به ترک نزدیکی با زوجه خود سوگند خورده باشد، حداکثر چهار ماه فرصت دارد به وی رجوع کند یا طلاقش دهد. بعضی فقیهان به این دلیل که در ازدواج موقت ایلا نیست، در حکم حرمت ترک وطی زوجه موقت بیشتر از مدت مزبور اشکال کرده‌اند (ر. ک. طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸، ق، ج ۲، ص ۷۷۰).

به نظر می‌رسد، حکم مذکور در آیات فوق تعدی و مربوط به مورد خاص آن است. به همین دلیل، بعضی در تسری حکم آن به زوجه دائمی و استنتاج حرمت ترک نزدیکی بیش از

چهار ماه در غیر مورد ایلا نیز تردید کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۲، ص ۱۱۶؛ سبحانی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۲).

ب. عدم صدق زوجیت بر نکاح موقت؛ بعضی فقیهان با استناد به تعابیر به‌کاررفته در روایات مربوط به متعه مانند «إِنَّمَا هِيَ مُسْتَأْجَرَةٌ» یا «فَإِنَّهُنَّ مُسْتَأْجَرَاتٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۴۵۲)، اطلاق زوجیت حقیقی بر زوجه منقطع را نفی کرده‌اند (حائری طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۲۸؛ ر. ک. نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹، ص ۱۱۵ - ۱۱۷). اگر این ادعا درست باشد، اثبات احکام زوجیت حقیقی از جمله حرمت ترک نزدیکی بر زوجه موقت، نیاز به دلیل دارد. لیکن پذیرش این نظریه دشوار است؛ چرا که تعابیر مذکور، از باب تشبیه مجازی است؛ نه اینکه به‌طور حقیقی آنان را مستأجره قلمداد کرده باشند؛ یعنی همان‌طوری که پس از مدت اجاره، ارتباط حقوقی اجیر با مستأجر قطع می‌شود، بعد از اتمام یا هبه مدت، بدون نیاز به طلاق، رابطه زوجیت نیز گسسته می‌گردد (سبحانی تبریزی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۸). مؤید مجازی بودن تشبیهات مذکور این است که در باب جواز نظر به مخطوبه نیز به‌طور مکرر تعبیراتی مانند «یشتريها بأغلی الثمن» به کار رفته و عقد نکاح به بیع تشبیه شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۶۵)؛ درحالی‌که این تعبیر کنایه‌ای است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۵، ص ۶۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۴، ص ۱۰۹). اگر ماهیت این عقد، اجاره بود، باید انشای عقد متعه با الفاظی مانند «استأجرتک» و «آجرتک» صحیح می‌بود؛ حال آن‌که تقریباً تمام فقیهان قائل‌اند که انشای عقد متعه با سه لفظ «متعتک، زوجتک و انکحتک» صحیح است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ص ۵۵).

ممکن است گفته شود: مهر در متعه رکن است و بنابراین متعه مثل نکاح دائم نیست و شبیهه معاوضات است. در پاسخ این شبهه نیز باید گفت: رکن بودن مهر در نکاح موقت دلیل بر این نیست که جزء معاوضات قرار گیرد؛ زیرا نوعاً غرض اصلی در آن تمتع و ت لذذ طرفین است (میرزای قمی، ۱۴۲۷ ق، ج ۲، ص ۹۳۵). از سوی دیگر، برای عرف غیرقابل‌پذیرش است که متعه را از عقود معاوضی قلمداد و «بضع» را مال محسوب نمایند (خوانساری، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۲۹۵).

ج. اکتفا به قدر متیقن و اصل برائت؛ بعضی فقیهان با طرح این پرسش که «آیا حکم حرمت ترک وطی بیش از چهار ماه، مختص زوجه دائمی است یا حکم عام می‌باشد»، چنین پاسخ

گفته‌اند: قول مناسب‌تر، اختصاص حکم به زوجة دائمی است؛ از باب اینکه در صورت تردید به موضع یقین اکتفا (عاملی جبعی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۶۶ و ۶۷) و در غیر آن به مقتضای اصل برائت عمل می‌شود (حائری طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۲۸). این استدلال در صورتی پذیرفتنی است که ادله اثبات حق نزدیکی زوجة موقت، که پس از این بیان خواهد شد، مورد پذیرش قرار نگیرد؛ زیرا با وجود دلیل، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد.

### ۲-۱-۱. نفی حق قسم زوجة موقت

قسم به معنی نصیب و بهره است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۴۷۸) و منظور از آن در حقوق زناشویی، قسمت کردن شب‌ها میان همسران است (مشکینی، بی‌تا، ص ۴۲۵). حق قسم با حق زوج بر نزدیکی متفاوت است و مبنای آن نیاز همسر به انس و الفت است. به همین دلیل، اگر همسر در شرایطی باشد که نزدیکی با وی مقدر یا جایز نباشد، حق قسم وی ساقط نمی‌گردد (حلی، ۱۳۸۷ ق، ج ۳، ص ۲۴۹). در صورتی که مردی بیش از یک همسر داشته باشد، باید شب‌های خود را میان آنان تقسیم نماید. گروهی از فقیهان برای زوجة تنها نیز حق قسم را ثابت دانسته‌اند (ر. ک. هدایت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱ - ۱۳۰).

مشهور فقیهان امامیه حق قسم را برای زوجة موقت نفی کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۳۱۸؛ همو، ۱۴۱۳ ق، الف، ج ۳، ص ۹۰؛ حلی، ۱۳۸۷ ق، ج ۳، ص ۲۴۹؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ ق، ص ۷۵۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ ق، ص ۵۵۳؛ البته بعضی آن را به ظاهر اتفاقی دانسته (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۴۸۹ و ۴۹۰) و بعضی نیز درباره آن ادعای اجماع کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۲۰۶). دلایل و شواهد این نظریه به شرح زیر است:

الف. روایات؛ تنها روایت مربوط به مسئله، روایت هشام بن سالم جوالبقی از امام صادق<sup>(ع)</sup> است. وجه استدلال به این حدیث چنین است: امام<sup>(ع)</sup> به سؤال‌کننده در مورد شرایط ازدواج موقت فرمود: *تَقُولُ لَهَا أَتَزَوِّجُكَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ ... وَ لَا أُقْسِمُ لَكَ: «به آن زن می‌گوئی بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر با تو ازدواج می‌کنم ... و برای تو قسم را رعایت نمی‌کنم»* (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ص ۲۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۷۹). جمله «وَ لَا أُقْسِمُ لَكَ» بر نفی حق قسم زوجة موقت دلالت دارد. بر استدلال به این روایت اشکالاتی وارد است.

روایت فوق از نظر سند ضعیف است. هشام بن سالم روایت را از «مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ» و «عَبْدَاللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ» نقل می‌نماید. مقصود از «عبدالله بن القاسم» به قرینهٔ راوی از او که «موسی بن سعدان» است، همان «عبدالله بن قاسم حصرمی» است. بعضی وی را کذاب و غالی شمرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۲۶). موسی بن سعدان هم ضعیف شمرده شده است (همان، ص ۴۰۴). بنابراین سند روایت درخور اعتنا نمی‌باشد. افزون بر ضعف سند، در دلالت روایت فوق نسبت به دیدگاه مشهور اشکال است. از ظاهر روایت چنین استفاده می‌شود که عدم قسم جزء ماهیت عقد متعه نیست و به اعتبار شرط ضمن عقد است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۶، ص ۱۳۵).

از ضعف سند روایت فوق به اعتبار عمل مشهور می‌توان چشم‌پوشی کرد (همان‌جا). دلالت روایت فوق بر نفی حق قسم نیز پذیرفتنی است؛ زیرا جملهٔ مزبور و مانند آن شرط ضمن عقد نیست، بلکه احکام متعه است. با توجه به اینکه ماهیت عقد متعه و احکام و شرایط آن برای بسیاری روشن نبود، امام<sup>(ع)</sup> ذکر آنها را لازم شمرده‌اند (همان‌جا؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۴، ص ۱۳۹).

ب. اجماع؛ بعضی برای نفی حق قسم زوجهٔ موقت به اجماع تمسک کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۲۰۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۴۸۹ و ۴۹۰). با قطع نظر از احتمال مدرکی بودن اجماع، در تحقق آن تردید وجود دارد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، بعضی از قول مذکور به «مشهور» و بعضی دیگر آن را «اتفاقی» خوانده‌اند. بعضی دیگر به وجود اختلاف در مسئله تصریح کرده‌اند (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۲). بنابراین اجماع ثابت نمی‌باشد.

ج. اصل برائت؛ دلیل دیگری که بعضی برای نفی حق قسم زوجهٔ موقت مطرح کرده‌اند، اصل برائت است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۴۸۹ و ۴۹۰؛ ر. ک. سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۲۰۶؛ حائری طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۲۸)؛ با این استدلال که از لفظ نکاح در ادلهٔ حق قسم، نکاح دائمی متبادر می‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۴۸۹ و ۴۹۰)؛ اما در ازدواج موقت، به دلیل فقدان دلیل، با تمسک به اصل برائت از زوج نفی مسئولیت می‌شود. استدلال مذکور تمام نیست؛ زیرا ازدواج موقت در زمان صدور احادیث میان اصحاب ائمه علیهم‌السلام رایج بوده است؛ هرچند از علنی کردن آن بیم داشته‌اند. از این رو، اطلاقات احادیث



شامل ازدواج موقت نیز می‌گردد و استثنای آن نیازمند دلیل است.

د. اختصاص حق قسم به چهار زن دائمی؛ بعضی برای نفی حق قسم زوجة موقت، چنین استدلال می‌کنند: «در تمام آن روایات سخن از زوجات اربع بود و اگر هم زوجتان می‌گفت، می‌فرمود که دو لیلۀ دیگر برای زوج است؛ پس این هم نشانه این است که مراد، زوجات اربعه است و می‌دانیم که انحصار زوجات در اربعه در مورد دائم است نه موقت؛ چون در موقت مسلم است که عددی معین نشده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۶، ص ۱۳۵؛ ر. ک. تجلیل تبریزی، ۱۴۲۱ ق، ص ۶۴۳). این استدلال نیز از قوت لازم برخوردار نیست؛ زیرا عدم تعیین عدد در ازدواج موقت نظر مشهور فقیهان است (عاملی جبعی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۲۰۷؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶؛ سیوری حلی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۱۴۲)؛ ولی بعضی از فقیهان به صراحت بیش از چهار همسر اعم از دائم و موقت را جایز نمی‌دانند (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۴۳) و بعضی دیگر این قول را موافق احتیاط و افضل شمرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۹۲؛ حلی، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۵۰). بعضی نیز ادله قول مشهور را ناکافی دانسته‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۲۰۶ و ۲۰۷). بنابراین با احتمال قرار گرفتن زوجة موقت در عدد چهار، حکم شرعی قسم نیز شامل آن خواهد بود.

## ۲-۱. نفی انتساب وصف نشوز به زوج

از بعضی نظریه‌ها چنین برمی‌آید که نشوز به معنای امتناع از ایفای وظیفه همسری به شوهر قابل انتساب نیست، به شرحی که در ادامه بیان می‌گردد؛ این نظریه در فقه و حقوق مدافعانی دارد.

### ۱-۲-۱. نفی انتساب وصف نشوز به زوج در فقه اسلامی

بر اساس نظریه‌های برخی، چنین استفاده می‌شود که نشوز به زوج قابل استناد نیست؛ مانند عبارت بعضی مفسران که نوشته‌اند نشوز صرفاً از جانب زن است: «فَالنَّشُوزُ يَكُونُ مِنْ قِبَلِ الْمَرْأَةِ خَاصَّةً» (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۹). انکار نشوز زوج پذیرفتنی نیست؛ زیرا قرآن کریم درباره زوج نیز از اصطلاح نشوز استفاده کرده و در آیه ۱۲۸ سوره نساء فرموده است: «وَإِنْ أَمْرًا

خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا...». ظاهراً مقصود از انکار نشوز زوج، نشوز به معنی امتناع از ایفای وظیفه همسری است. مطابق بیان بعضی فقیهان، نشوز آن است که مرد از همسرش کراهت دارد و قصد دارد وی را طلاق دهد (صدوق، ۱۴۱۵ ق، ص ۳۵۰؛ حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۷۲۸؛ راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۱۹۰؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق، ص ۵۳۰). بعضی معاصرین نوشته‌اند: خروج از طاعت درباره‌ی زوجه صحیح است؛ زیرا بر زوجه واجب است از زوج اطاعت نماید. این معنی درباره‌ی زوج صحیح نیست؛ زیرا گرچه برای زوجه حقوقی بر عهده‌ی زوج است، او حق اطاعت ندارد (شوشتری، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۱۳۴). این نظریه سپس درباره‌ی نشوز زوج می‌نویسد: شکی نیست که اگر زوج همسر خود را از حقوقش منع نماید، زوجه حق دارد آن را مطالبه کند و حاکم می‌تواند وی را الزام نماید؛ لیکن این معنی نشوز نیست. نشوز زوج آن است که وی اراده‌ی طلاق همسرش را دارد و زوجه در مقابل اسقاط پاره‌ای از حقوق خود، از وی می‌خواهد که او را طلاق ندهد (همان، ص ۱۳۵). نفی اطلاق واژه‌ی نشوز بر عصیان یا ارتفاع زوج در آرای بعضی دیگر از فقیهان معاصر نیز دیده می‌شود (ر. ک. مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۶ و ۴۷). مطابق این نظریه، به نقض حقوق زوجه توسط شوهر نشوز اطلاق نمی‌شود، بلکه نشوز شوهر، کراهت وی از زوجه و اعراض از او است.

تعریف یا تفسیر نشوز شوهر به کراهت وی از همسر و قصد طلاق پذیرفتنی نمی‌باشد. نشوز در اصطلاح فقهی به معنی خروج از اطاعت و امتناع از ایفای وظایف همسری است (حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۸۲). بعضی با تصریح به یکی بودن ضابطه‌ی نشوز زوج و زوجه نوشته‌اند: همانا ضابطه در هر دو نشوز امر واحد و آن خروج از طاعت واجب است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۰۲). تعریف نشوز با ضابطه‌ی مزبور در بسیاری از منابع دیده می‌شود (فاضل آبی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۱۹۴؛ حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۵۹۶؛ عاملی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۸۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۱، ص ۲۰۰). این اشکال که شوهر تکلیفی به اطاعت از زوجه ندارد (شوشتری، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۱۳۴) وارد نمی‌باشد؛ چرا که می‌توان گفت: مقصود از «اطاعت» عمل به وظایف شرعی در روابط همسری است و طبیعتاً نشوز به معنی خروج از اطاعت پروردگار در عمل به احکامی است که در روابط زوجین تشریح کرده است. تعریف نشوز زوج به کراهت وی از زوجه دلیلی جز ظاهر روایات مربوط به آیه ۱۲۸ سوره مبارکه نساء ندارد. از جمله آن روایت ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام است که در قالب پرسش و پاسخ بیان

شد. راوی می‌گوید: از امام راجع به آیه «إِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا...» پرسیدیم؛ امام فرمود: مقصود زنی است که شوهرش از وی کراهت دارد و تصمیم دارد وی را طلاق دهد؛ او می‌گوید: مرا نگهدار و طلاق نده، من در مقابل از حقوق خود می‌گذرم و از مال خودم هدیه‌ای تقدیم می‌کنم و حق بالین خود را بر تو حلال می‌کنم. در این صورت، این حقوق بر شوهر او حلال خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۴۶).<sup>۱</sup>

از آیه مبارکه و روایات وارده پیرامون آن فهمیده نمی‌شود که نشوز زوج کراهت وی از زوجه باشد؛ زیرا مفاد آیه مبارکه و روایت مربوط به آن «خوف نشوز» است و توصیه به مصالحه نیز ناظر به همین مرحله و با هدف پیشگیری از نشوز است. روشن است که خوف نشوز وقتی حاصل می‌گردد که نشانه‌های آن در رفتار زوج دیده شود. مردی که از همسرش کراهت دارد و تعاملات عاطفی وی با او حداقلی شده است، این حالت خوف نشوز را به دنبال دارد و اگر چاره نشود، به نشوز، یعنی عصیان و امتناع از عمل به وظایف زوجیت منتهی می‌گردد. بنابراین صرف کراهت زوج از زوجه نشوز نخواهد بود، مگر اینکه به امتناع از عمل به وظایف همسری منجر شود. کم نیستند مردانی که از همسران خود کراهت دارند ولی به فرمان خدای متعال با آنان مهربان و حقوق آنان را رعایت می‌نمایند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۴۸ و ۴۹). در آیه ۳۴ سوره نساء، «نشوز» و «اطاعت» در مقابل هم به کار رفته است: «وَأَتَى تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ... فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ...». با توجه به اینکه «اطاعت» امری رفتاری است، «نشوز» نیز مربوط به حوزه رفتار است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷ ش، ص ۵۹).

## ۲-۲-۱. نفی انتساب و وصف نشوز به زوج در حقوق خانواده

در قوانین خانواده ایران، نشوز منحصرأ درباره زوجه ممتنع از ایفای وظایف زناشویی به کار رفته است و همین مسئله باعث گردید بعضی نشوز را وصف اختصاصی زوجه به شمار آورند. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۵۱۰۵ مورخ ۱۹/۸/۱۳۷۷ اظهار داشته است: «در قوانین جاریه، نشوز زوج پیش‌بینی نشده است و اصولاً چون نشوز در مقابل تمکین

۱. «هَذَا تَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ لَا تَعْجِبُهُ فَيُرِيدُ طَلَاقَهَا فَتَقُولُ لَهُ أَسْكِنِي وَلَا تُطَلِّقْنِي وَ أَدَعِ لَكَ مَا عَلَيَّ طَهِّرْكَ وَأَعْطِيكَ مِنْ مَالِي وَأَحْلَلْكَ مِنْ يَوْمِي وَ لَيْلَتِي فَقَدْ طَابَ ذَلِكَ لَهُ كُلُّهُ».

به کار می‌رود و تمکین خاص زوجه است، نشوز هم مختص او خواهد بود ...» (مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۲۶). استدلال اداره حقوقی قوه قضائیه نادرست است؛ زیرا نشوز مصادیق متعددی دارد که یکی از آنها عدم تمکین است. حتی مصادیق نشوز زوجه نیز منحصر در عدم تمکین نیست. به همین دلیل، نشوز و تمکین متقابل یکدیگر نیستند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷ش، ص ۵۸ و ۵۹). با توجه به آنچه در تعریف نشوز بیان گردید، نشوز زوج به معنی امتناع وی از ایفای وظایف همسری است. این معنی در نکاح موقت نیز قابل تحقق است؛ چرا که مطابق مباحث سابق، در بعضی انواع نکاح موقت، برای زوجه حقوق جنسی ثابت است؛ در نتیجه امتناع زوج از ایفای وظیفه زناشویی موجب تحقق نشوز خواهد بود.

از مباحث این قسمت معلوم شد که دلایل نفی انتساب نشوز به زوج اولاً نفی حقوق زناشویی زوجه و ثانیاً نفی انتساب وصف نشوز یا نشوز رفتاری به زوج است. بررسی‌های این نوشتار نشان داد که دلایل این دو از قوت لازم برخوردار نمی‌باشد.

## ۲. بررسی ادله حقوق زناشویی زوجه و آثار نشوز زوج در نکاح موقت

برخلاف نظریه نخست، گروهی از فقیهان، حقوق زناشویی به‌طور کلی یا حق نزدیکی را برای زوجه موقت ثابت دانسته‌اند. در ادامه نوشتار، ادله هر یک از این نظریه‌ها را بررسی و ترتب آثار نشوز بر زوج ممتنع را تشریح خواهیم کرد.

### ۲-۱. بررسی ادله حقوق زناشویی زوجه در نکاح موقت

#### ۲-۱-۱. ادله حق نزدیکی زوجه موقت

بسیاری از فقیهان برای زوجه موقت حق نزدیکی را ثابت می‌دانند؛ بدین صورت که بعضی به‌طور مطلق و بدون استثنای نکاح منقطع بر عدم جواز ترک وطی زوجه بیش از چهار ماه فتوا داده‌اند (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۱۲۶، عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۴۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۴۸) و شماری دیگر به‌طور صریح به حرمت ترک وطی زوجه موقت فتوا داده‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۵۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۷۰؛ مدنی تبریزی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۸۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۳؛ ر. ک. راشدی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۶)؛ بعضی دیگر قول مزبور را موافق

احتیاط (اصفهانی، ۱۳۹۳ ق، ج ۳، ص ۱۴۶؛ حائری طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۲۸؛ سبزواری، بی‌تا، ص ۵۵۰؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۳ ق، ص ۶۶۴، سیستانی، ۱۴۲۲ ق، ص ۴۸۰) و برخی نیز آن را اقوی شمرده‌اند (گلپایگانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۳۰۶؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۰۷؛ سبحانی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۵).

مهم‌ترین دلیل برای اثبات حرمت ترک وطی زوجة دائمی، روایت صفوان بن یحیی است. همین روایت مهم‌ترین دلیل ثبوت حق وطی برای زوجة موقت نیز می‌باشد. در این روایت، نه تنها واژه «المرأة» و حکم مذکور در آن مطلق است و هیچ قیدی ندارد، بلکه بعضی آن را از این جهت عام دانسته‌اند (حائری طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۲۸؛ عاملی ترحینی، ۱۴۲۷ ق، ج ۶، ص ۱۴۸؛ خویی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۲، ص ۱۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ق، ص ۴۷؛ سبحانی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۵). بعضی با قدری توضیح نوشته‌اند: «عدم فرق بین زوجة دائمه و منقطعه به دلیل اطلاق صحیح صفوان است؛ چون موضوع حکم در آن زوج است بدون قید به دائمه؛ گرچه صاحب جواهر حکم را مختص زوجة دائمه دانسته و گفته برای منقطعه واجب نیست، به دلیل اینکه ایلا و احکام زوجیت مانند نفقه و غیر آن در آن ساقط است، چون به منزله مستأجرات هستند. ولی این مطالب موجب سستی اطلاق صحیح مزبور نمی‌شود؛ زیرا اطلاق آن مانع از اخذ به متیقن است. علاوه بر این، بین حکم ایلا و ما نحن فیه (حرمت ترک وطی بیش از چهار ماه) ملازمه‌ای نیست» (مدنی تبریزی، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۹۰).

بعضی در مقام نقد استدلال مذکور گفته‌اند: «تمسک به اطلاق کلمات ائمه در مورد متعه مشکل است؛ چون مسئله تمتع در عصر معصومین علیهم‌السلام امری مخفی و غیرمتعارف بوده است و در این صورت، اطلاق به مصداق متعارف یعنی نکاح دائم منصرف خواهد بود» (شبیبری زنجانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۱۴۴۰). بعضی نیز گفته‌اند: نکاح دائم قدر متیقن از لفظ نکاح است و قدر متیقن مانع از تمسک به اطلاق می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹، ص ۱۱۷). این اشکالات وارد به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ازدواج موقت در عصر ائمه علیهم‌السلام، میان شیعیان نامتعارف نبود. چگونه می‌توان ازدواج موقت را در عصر ائمه علیهم‌السلام نامتعارف به شمار آورد، درحالی‌که روایات فراوانی درباره آن وجود دارد. صاحب وسائل روایات مربوط به آن را در ۴۶ باب گردآوری کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۵ - ۸۱). البته به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم، از علنی شدن آن خودداری می‌شد. از سوی دیگر، غرض اصلی از

نکاح متعه، استمتاع و عفت‌ورزی است (عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۱۹). بعضی دیگر معتقدند: غرض عمده ازدواج موقت تمتع و تلذذ جنسی طرفین بوده و بسا این غرض از سوی زن بیشتر است (میرزای قمی، ۱۴۲۷ ق، ج ۲، ص ۹۳۵). بنابراین، این تصور که غرض بانوان از ازدواج موقت صرفاً جنبه اقتصادی است، نادرست می‌باشد. در این صورت، نفی حق استمتاع برای زوجه موقت نقض غرض بوده، منطقی نمی‌باشد.

## ۲-۱-۲. ادله حق قسم زوجه موقت

بعضی فقیهان عدم حق قسم برای زوجه منقطعه را قول مشهور خوانده‌اند (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۳۱۸). از این عبارت معلوم می‌شود که قول غیرمشهور، ثبوت حق قسم برای زوجه موقت است. بعضی دیگر مسئله حق قسم برای زوجه موقت را اختلافی شمرده و از ابن عقیل نقل کرده‌اند که وی قسم را برای زوجه موقت ثابت می‌داند (ر. ک. بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۲). از عبارت بعضی دیگر در نفی رعایت عدالت میان همسران موقت نیز چنین برمی‌آید که آنان اصل حق قسم برای زوجات منقطعه را پذیرفته‌اند ولی رعایت عدالت را لازم ندانسته‌اند (ر. ک. ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۶۲۴؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۵۶). بعضی نیز در بیان کسانی که برای آنان قسم ثابت نیست، اشاره‌ای به زوجه منقطعه نکرده‌اند (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۴). بنابراین قول به ثبوت قسم برای زوجه موقت قائل دارد.

برای این دیدگاه، دلیلی در منابع فقهی مشاهده نشده است؛ اما می‌توان برای اثبات حق قسم زوجه موقت، به ماهیت مشترک نکاح موقت و دائم استدلال کرد (ر. ک. دهقان‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶ - ۱۲۰؛ دهقان‌نژاد و احدی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۱ - ۱۷۴). بعضی معاصرین نیز با تصریح بر ماهیت مشترک ازدواج دائم و موقت می‌نویسند: «در خصوص تفاوت نکاح دائم و موقت اطالۀ کلام درست نیست؛ چرا که این دو عقد از لحاظ لغت، شرع و عرف، حقیقت واحد هستند و اختلاف آنها فقط در بعضی آثار شرعیه می‌باشد؛ همان‌طوری که طلاق رجعی و بائن و همچنین بیع لازم و خیار حقیقت و ماهیت واحدی دارند و اختلاف در بعضی آثار آنهاست. إطلاق «إِنَّمَا هُنَّ مَسْتَأْجِرَات» در نکاح منقطع، موجب خروج آن از حقیقت نکاح و دخول آن در عنوان معاوضه حقیقی نمی‌شود؛ همان‌طوری که عبارت «إِنَّمَا

یشتربها بأغلی الثمن» در عقد دائم وجود دارد و در عین حال با عدم تمکین زوجه، نفقه وی ساقط می‌گردد» (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۴، ص ۸۷). ولی برخی ماهیت ازدواج موقت را متفاوت از ازدواج دائم فرض کرده و به همین دلیل، احکام ازدواج دائم از جمله قسم و وطی را از زوجه موقت نفی کرده‌اند، درحالی‌که هیچ دلیل محکمی از آیات و روایات بر این ادعا وجود ندارد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، عبارت «هن مستأجرات» در بعضی روایات مجازی یا کنایه‌ای است.

به هر حال، هرچند نکاح موقت و دائم ماهیت مشترکی دارند، استدلال مذکور به‌تنهایی نمی‌تواند حق قسم زوجه موقت را اثبات کند؛ چرا که در برخی از آثار و احکام متفاوت هستند و از این‌روی در نکاح موقت، تعهد به نفقه یا رابطه وراثت وجود ندارد. بنابراین درباره حق قسم زوجه موقت باید در پی دلیل دیگری نیز باشیم:

الف. به نظر می‌رسد درباره حق قسم باید بین نکاح کوتاه‌مدت و بلندمدت قائل به تفصیلی شویم. ازدواج موقت در بعضی موارد به‌لحاظ زمان طولانی است. در زمان ما این نوع ازدواج رایج است. هدف بانوان در این نوع ازدواج صرفاً تأمین اقتصادی نیست؛ بلکه غرض از آن، بهره‌مندی از حمایت عاطفی و ارضای نیاز جنسی است؛ ولی به دلایلی به ازدواج موقت طولانی‌مدت تن می‌دهند. اگر مدت ازدواج آن‌قدر طولانی باشد که تا آخر عمر زوجین ادامه داشته باشد، شبیه ازدواج دائم است؛ کما اینکه بعضی فقیهان آن را در حکم دائم دانسته‌اند. بعضی در پاسخ پرسشی در همین رابطه نوشته‌اند: «صیغه ۹۹ ساله در حکم عقد دائم است و تا مراسم طلاق انجام نشود، همچنان زن و شوهر هستند» (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰، مندرج در سایت <https://makarem.ir>). در پاسخ این پرسش: «مردی و زنی حدوداً شصت‌ساله، ازدواج نموده به عقد انقطاع به مدت ۷۰ سال؛ آیا برگشت چنین عقدی به دائم نمی‌شود؟ چون اگر برگشت به دائم شود، احکام دائم در نفقه و ارث با غیردائم تفاوت می‌کند». بعضی فقیهان چنین پاسخ داده‌اند: «بلی، چنین ازدواجی ملحق است به عقد دائم در احکام آن» (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۲). بعضی نیز در پاسخ پرسش مشابه نوشته‌اند: «عقد مزبور باطل نیست، لیکن در ترتیب آثار عقد دائم و عقد موقت باید احتیاط کنند...» (تبریزی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۲). بنابراین زوجه در عقد موقت طولانی‌مدت نیز از حق قسم برخوردار می‌شود.

ب. ممکن است چنین استدلال شود که از قواعد نفی ضرر (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۲۰۹) و نفی حرج (همان، ص ۲۴۷)، ثبوت حق انس و الفت برای زوجه موقت استنباط می‌گردد؛ چرا که بی‌اعتنایی شوهر به نیازهای عاطفی و جنسی زوجه در نکاح موقت سدّ طریق عفاف است و در خوشبینانه‌ترین حالت، وی را در تنگناهای روحی قرار می‌دهد. ولی به نظر می‌رسد قواعد مزبور نمی‌تواند حق قسم را برای زوجه موقت کوتاه‌مدت ثابت نماید؛ زیرا این قواعد جنبه ثانوی دارند. از سوی دیگر، احکام ثانوی جنبه استثنایی یا حداقلی دارند و به موارد ضروری محدود می‌باشند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۲ ش، ص ۳۰۰). بنابراین به استناد قواعد نفی ضرر یا حرج، نمی‌توان شوهر را مکلف دانست شب‌های خود را به صورت برابر میان همسر دائم و موقت خود تقسیم نماید، مگر اینکه عقد موقت او طولانی‌مدت باشد. البته باید توجه داشت که نتیجه اعمال قواعد مزبور در مسئله کنونی، لزوم توجه به نیازهای عاطفی همسر و معطل نگذاشتن او به منظور پیشگیری از ضرر یا حرج است؛ حتی در ازدواج‌هایی که بلندمدت نمی‌باشد.

## ۲-۲. بررسی آثار نشوز زوج در نکاح موقت

همان‌طور که مشاهده گردید، حقوق جنسی زوجه در نکاح منقطع، حداقل در بعضی صورت‌ها و بعضی مصادیق آن ثابت است. اینک مسئله این است که آیا بر امتناع زوج از ایفای وظیفه زناشویی در نکاح منقطع، آثار نشوز مترتب می‌گردد یا خیر. در ادامه نوشتار، آثار مدنی نشوز زوج در نکاح موقت تشریح خواهد شد.

### ۱-۲-۲. حق دادخواهی زوجه و الزام قضایی

در تمام مواردی که حقی برای کسی ثابت است، درمقابل آن تکلیفی نیز وجود دارد. در صورتی که فرد مکلف از عمل به تکلیف خود سر باز زند، صاحب حق می‌تواند الزام وی را از دادگاه بخواهد و دادگاه مکلف را مجبور خواهد کرد. به لحاظ فقهی، حاکم بر ممتنع ولایت دارد و همان‌طور که بعضی تصریح کرده‌اند (کمپانی اصفهانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۳۹۹)، اصل مسئله اجماعی و جزء مسلمات است. در فقه امامیه (ر. ک. علوی قزوینی و قشلاقی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۱۱) و به تبع آن در قانون مدنی، درباره امتناع زوج از انفاق، به حق دادخواهی



زوجه و الزام زوج به پرداخت و در صورت عدم امکان، به طلاق از سوی دادگاه تصریح شده است (ر. ک. مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۲۹). در صورتی که زوج از پرداخت نفقه همسر امتناع کند، به حکم دادگاه از اموال (ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی) یا حقوق وی (ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی) برداشت می‌گردد. حتی اگر بتوانیم از طریق الغای خصوصیت، حکم مواد مذکور را به نکاح موقت تسری دهیم، ماهیت حق زوجة موقت بر شوهر غیرمالی است. به همین دلیل، به ترتیب مذکور در مواد فوق قابل اجرا نمی‌باشد. در نتیجه در صورتی که شوهر به حکم دادگاه مبنی بر ایفای وظیفه زناشویی تمکین ننماید، ناگزیر به ترتیبی که در ادامه بیان می‌گردد، عمل خواهد شد.

## ۲-۲-۲. الزام قضایی زوج به بذل مدت

می‌دانیم که نکاح موقت به انقضا یا بذل مدت منحل می‌گردد و در آن طلاق راه ندارد. از سوی دیگر، بذل مدت حق شوهر است و برای زوجه اصالتاً چنین حقی ثابت نیست. با این حال، امتناع زوج موقت از ایفای وظیفه زناشویی ممکن است زوجه را در وضعیت عسر و حرج قرار دهد. در این صورت، دادگاه می‌تواند زوج را به بذل مدت ملزم نماید. هرچند این مطلب در قانون نیامده است، با الغای خصوصیت از ماده ۱۱۳۰ ق. م. می‌توان از ملاک آن برای الزام زوج به بذل مدت استفاده کرد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۸ش، ص ۱۵۱ و ۱۵۲). اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۴۱۴۰ مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۷ با تأکید بر این مطلب بیان داشته است: «در ازدواج موقت نیز در صورت تحقق عسر و حرج، می‌توان از ملاک ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی استفاده کرد» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۲).

برداشت فوق با بعضی فتاوی هم‌هنگ است. بعضی فقیهان در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه «آیا در ازدواج موقت، عسر و حرج برای زوجه متصور است؟» چنین پاسخ داده‌اند: «در صورتی که واقعاً به تشخیص حاکم شرع عسر و حرج حاصل شود (مثلاً مرد در دسترس نباشد یا مدت را نبخشد)، تفاوتی بین عقد انقطاعی و دائم نیست و حاکم شرع زوج را ملزم به بذل باقیمانده مدت می‌کند و اگر زوج قبول نکند، حاکم شرع به‌عنوان ولی ممتنع، باقیمانده مدت را می‌بخشد و زوجه می‌تواند بعد از سپری شدن عده، شوهر کند» (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰، مندرج در سایت <https://makarem.ir>).

## یافته‌های پژوهش

پس از بحث و بررسی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در نوشتار حاضر درباره حقوق جنسی زوجه و امکان ترتب نشوز زوج در نکاح موقت، نتایج زیر به دست آمد:

۱. مشهور فقیهان امامیه حق نزدیکی زوجه موقت را نفی کرده‌اند. این نظریه دلایل قابل اعتمادی ندارد و با توجه به اطلاق ادله و همچنین به اقتضای زوجیت و عدم تفاوت ماهوی عقد دائم و موقت، حق نزدیکی برای زوجه موقت ثابت است. از سوی دیگر، دلایل نفی یا انکار حق قسم زوجه موقت به طور مطلق پذیرفتنی نیست. صحیح آن است که بین ازدواج کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت تفصیل قائل شویم. در ازدواج کوتاه‌مدت، حق قسم فرض ندارد؛ ولی ازدواج طولانی‌مدت شبیه دائم است، کما اینکه بعضی آن را در حکم دائم دانسته‌اند. بر فرض که دلایل اثبات حق قسم برای ازدواج طولانی‌مدت ناکافی باشد، با تمسک به قواعد ثانوی نفی ضرر و حرج، به صورت جزئی می‌توان حق انس و الفت را برای زوجه موقت ثابت دانست.
۲. با توجه به اثبات حقوق زناشویی برای زوجه به صورت فی الجمله، امتناع زوج از ایفای وظیفه زناشویی موجب نشوز است و آثار نشوز بر آن مترتب می‌گردد. زوجه از طریق مراجعه به دادگاه می‌تواند الزام شوهر به ایفای وظیفه زناشویی را درخواست نماید و دادگاه پس از احراز زوجیت و امتناع زوج، وی را ملزم خواهد کرد. در صورتی که زوج به رأی دادگاه تمکین ننماید، به درخواست زوجه، دادگاه شوهر را به بذل مدت و گسست نکاح مجبور خواهد کرد.

## منابع

- قرآن کریم
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ ق). *المهذب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق). *غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: انتشارات دار صادر، چاپ سوم.

- احمدی، خدابخش؛ براری، مصطفی و سیداسماعیلی، فتح‌الله (۱۳۹۰). «نگرش مردم به ازدواج موقت». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۳)، ص ۱۳۵ - ۱۵۶.
- اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ ق). وسیله النجاه (مع حواشی الإمام الخميني). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳ ق). وسیله النجاه (مع حواشی الگلپایگانی). قم: چاپخانه مهر، چاپ اول.
- ایرانی ارباطی، بابک (۱۳۸۵ش). مجموعه نظریات مشورتی حقوقی. تهران: مجمع علمی - فرهنگی مجد، چاپ دوم.
- بجنوردی، سید حسن موسوی (۱۴۱۹ ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی، چاپ اول.
- بحرانی، حسین بن محمد (بی‌تا). الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع. قم: مجمع البحوث العلمیه، چاپ اول.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- تبریزی، جواد بن علی (بی‌تا). استفتائات جدید. قم: انتشارات سرور، چاپ اول.
- تجلیل تبریزی، ابوطالب (۱۴۲۱ ق). التعلیقه الاستدلاليه علی تحریر الوسيله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۰۹ ق). الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع - حدیقه المؤمنین. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قدس سره، چاپ اول.
- حائری طباطبایی، سید محمد مجاهد (بی‌تا). کتاب المناهل. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- حلّی (فخرالمحققین)، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق، الف). قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق، ب). *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ ق). *تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). *تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*. مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، چاپ اول.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- خوبی، سید ابوالقاسم موسوی (بی تا). *استفتائات*. تحقیق سید محمد مددی موسوی. قم: مؤسسه الخوئی الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ ق). *موسوعه الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ع)، چاپ اول.
- دهقان نژاد، رضا؛ محمدی، سیدسجاد و پورلطفاله، حسن (۱۳۹۷). «بازپژوهی مقتضای ذات عقد نکاح از منظر فقه فریقین و حقوق مدنی ایران». *فصلنامه علمی - پژوهشی فقه*، ۲۵(۹۴)، ص ۱۰۱-۱۲۶.
- دهقان نژاد، رضا و احدی، سیفالله (۱۴۰۰). «نقد و بررسی انگاره ماهیت معاوضی نکاح موقت». *مجله علمی پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۹ (۲۴)، ص ۱۶۳-۱۸۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. لبنان - سوریه: دار العلم - دار الشامیه.
- راشدی، لطیف (۱۳۷۹). *رسالة توضیح المسائل چهار مرجع*. تهران: انتشارات پیام محراب، چاپ دوم.
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ ق). *فقه القرآن*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ع)، چاپ دوم.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۶ ق). *نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- \_\_\_\_\_ (بی تا). *نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء*. قم: بی نا.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (بی تا). *جامع الأحكام الشرعیه*. قم: مؤسسه المنار، چاپ نهم.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق). مهذب الأحكام، قم: مؤسسة المنار، چاپ چهارم.
- سيستاني، سيد على حسيني (۱۴۲۲ ق). توضيح المسائل. قم: دفتر آيت الله العظمى سيستاني.
- سيورى حلى، مقاد بن عبدالله (۱۴۰۴ ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۵ ق). كنز العرفان فى فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوى، چاپ اول.
- شيبيرى زنجانى، سيد موسى (۱۴۲۸ ق). المسائل الشرعية. قم: مؤسسة نشر الفقاهه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۹ ق). كتاب نكاح. قم: مؤسسة پژوهشى رأى پرداز، چاپ اول.
- شويشترى، محمدتقى (۱۴۰۶ ق). النجعة فى شرح اللمعة. تهران: كتابفروشى صدوق، چاپ اول.
- صدوق (شيخ)، ابن بابويه قمى، محمد بن على (۱۴۱۵ ق). المقنع. قم: مؤسسة امام هادى عليه السلام، چاپ اول.
- طباطبايى حكيم، سيد محسن (۱۴۱۶ ق). مستمسك العروة الوثقى. قم: مؤسسة دار التفسير، چاپ اول.
- طباطبايى يزدى، سيد محمدكاظم (۱۴۲۸ ق). العروة الوثقى مع التعليقات. قم: انتشارات مدرسة امام على بن ابى طالب عليه السلام، چاپ اول.
- طوسى (شيخ)، محمد بن حسن (بى تا). التبيين فى تفسير القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵). التهذيب. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ ق). النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ دوم.
- عاملى ترحينى، سيد محمدحسين (۱۴۲۷ ق). الزبده الفقيهيه فى شرح الروضة البهيه، ۹ جلد. قم: دار الفقه للطباعة و النشر، چاپ چهارم.
- عاملى جبعى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على (۱۴۱۰ ق). الروضة البهيه فى شرح اللمعة الدمشقيه (المحشى - كلانتر). قم: كتابفروشى داورى، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول.
- عاملى (شهيد اول)، محمد بن مكى (۱۴۱۰ ق). اللمعة الدمشقيه فى فقه الإماميه. بيروت: دار التراث - الدار الإسلامية، چاپ اول.
- عاملى (كركى، محقق ثانى)، على بن حسين (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد فى شرح القواعد. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم.
- علوى قزوینى، سيد على و قشلاقى، سهيل (۱۳۹۵). «اثر نشوز زوج در طلاق به درخواست زوجه از

- منظر فقه و حقوق)، دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، ۲۱(۶۵)، ص ۱۰۷ - ۱۳۰.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷ ق). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
  - فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). کتاب العین. ۸ جلد، قم: نشر هجرت.
  - فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۴). رساله توضیح المسائل. قم: چاپخانه مهر، چاپ صد و چهاردهم.
  - فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
  - فروتن، محسن (۱۴۰۰). مندرج در سایت [www.eghtesadonline.com](http://www.eghtesadonline.com).
  - فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا). مفاتیح الشرائح. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی<sup>(ه)</sup>.
  - کاشف الغطا نجفی، احمد بن علی بن محمد رضا (۱۴۲۳ ق). سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادت. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطا، چاپ اول.
  - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
  - کمپانی اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸ ق). حاشیه کتاب المکاسب. قم: انوار الهدی، چاپ اول.
  - گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی (۱۴۱۳ ق). هدایه العباد. قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول.
  - مدنی تبریزی، سید یوسف (۱۴۱۹ ق). منهاج الاحکام فی النکاح و الطلاق. قم: انتشارات دهاقانی (اسماعیلیان)، چاپ چهارم.
  - مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶ ق). منهاج المؤمنین. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی<sup>(ه)</sup>، چاپ اول.
  - مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی (۱۳۸۶ ش). رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه های خانواده. تهران: جنگل - جاودانه.
  - مشکینی، میرزا علی (بی تا). مصطلحات الفقه. بی جا: بی نا.
  - مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ ق). أنوار الفقاهه — کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
  - \_\_\_\_\_ (۱۴۲۴ ق). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
  - \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰). مندرج در سایت <https://makarem.ir>.
  - موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ ش). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم.

- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی (۱۴۲۷ ق). *رسائل*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، چاپ اول.
- نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی (۱۴۰۷ ق). *رجال النجاشی* — فهرست أسماء مصنفی الشیعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۳ ق). *توضیح المسائل*. قم: مدرسه باقرالعلوم<sup>(ع)</sup>، چاپ چهارم.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۸). *حقوق خانواده در جمهوری اسلامی ایران*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *عناوین ثانوی و حقوق خانواده*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). *نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.

